

بررسی دیدگاه مستشرقان درباره سیمای علمی حضرت علی (ع)

جمال فرزند وحی^۱، مریم کهریزی^۲، فاطمه سالاری^۳

^۱عضو هیئت علمی دانشگاه رازی

^۲دانشجوی رشته علوم قرآن مجید، دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه

^۳دانشجوی رشته علوم قرآن مجید، دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه

نویسنده مسئول:

جمال فرزند وحی

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال ششم)
شماره ۲۱ / پاییز ۱۳۹۹ / ص ۹-۱

چکیده

خاندان پیامبر (ص) و ائمه به ویژه حضرت علی ابن ابیطالب (علیه السلام) جایگاه خاصی در تحقیقات شرق شناسان دارند. مطالعه و تحقیق پیرامون خاندان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و امامان شیعه (علیهم السلام)، از موضوعات مورد توجه مستشرقین است. روش این پژوهش تحلیلی- توصیفی است. در این مقاله، ابتدا به معرفی مختصر پدیده ی استشراق می پردازیم و ضمن آشنایی با مفهوم امامت و خلافت از منظر شیعه، دیدگاه شرق شناسان درباره سیمای علمی حضرت علی (علیه السلام) را نقد و بررسی خواهیم نمود. در این پژوهش دریافتیم که لازم است از یک سو منابع معتبر شیعی به زبان های زنده ی دنیا ترجمه شود و از طریق رسانه های ارتباط جمعی، در دسترس عموم جهانیان قرار گیرد و از سوی دیگر مستشرقان در بررسی جنبه های گوناگون مذهب تشیع، سیمای علمی حضرت علی (ع) را در نظر داشته باشند.

کلید واژگان: دیدگاه مستشرقان، شیعه، استشراق، سیمای علمی علی (ع)، نقد جنبه علمی امام علی علیه السلام.

مقدمه

از نظر لغوی، استشرق (Orientalists) برگرفته از کلمه (Orient) به معنی «شرق» و یا «جهت طلوع خورشید» است و در اصطلاح عام، استشرق^۱ (شرق شناسی، خاورشناسی) عبارت است از آن دسته پژوهش های غربی ها که در خصوص میراث شرق و بویژه مسائل مرتبط با تاریخ، زبان، ادبیات، هنر، علوم، عادات و سنن آن انجام می پذیرد بنابراین خاورشناس فردی است از دیار مغرب زمین که میراث شرق و هر آنچه را که به نوعی به تاریخ، زبان، ادبیات، هنر، علوم، عادات و سنن او تعلق دارد بررسی میکند (محمد حسین علی صغیر، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۳). استشرق یا خاورشناسی دارای شعبه های مختلفی مانند اسلام شناسی، عرب شناسی، هند شناسی و ... می باشد و مجموعه ای از فعالیت های مربوط به کشف منابع علمی و باستانی، گردآوری و نگهداری مواد فرهنگی، فهرست نگاری و کتابشناسی، روزنامه نگاری، تحقیق، بررسی، ترجمه و تصحیح متون و انتشار آنها را شامل می شود (نوری، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۱۷۴-۲۰۰). در یک جمله می توان گفت: استشرق بر اعمال مستشرقان در قبال فرهنگ مشرق زمین اطلاق می شود. این اصطلاح شامل همه شاخه های دانشی می شود که به پژوهش پیرامون همه ملتهای شرقی، زبان، دین، علوم، آداب و رسوم و فنونشان می پردازد (الدسوقی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۸۸). استشرق در اصطلاح خاص عبارت است از مطالعات غربیان درباره لغات، آداب، تاریخ، عقاید و فرهنگ شرق اسلامی. وقتی در جهان اسلام سخن از استشرق و مستشرق می شود همین معنی به ذهن متبادر می شود (زقزوق، حمدی، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۱۸).

به طور کلی مستشرقان در بررسی و تحقیقات عربی و اسلامی خود، انگیزه های متفاوتی داشته اند. این انگیزه ها از نظر شدت و ضعف یک سان نیست و در مجموع می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد:

الف - پژوهش ها و بررسی هایی که به انگیزه های تبشیری انجام پذیرفته است.

ب- پژوهش هایی که در پس آنها اغراض و اهداف استعماری نهفته است.

ج- تحقیقات و پژوهش هایی که صرفاً با انگیزه های علمی انجام یافته است (زقزوق، حمدی، ۱۴۰۲، ج ۱، صص ۱۲-۱۵).

۱- بیان مسأله

از ابتدای آشنایی غربیان با اسلام و روی آوردن مستشرقین غربی به پژوهش و مطالعات اسلامی، دیدگاه ها و مواضع مختلفی از آنها بروز کرد. در این مطالعات، خاندان پیامبر صلی الله علیه و اله و امامان شیعه علیهم السلام جایگاه خاصی دارند. جایگاه ی بدیل علمی و معنوی امام علی (علیه السلام) در گسترش ارزش های ناب اسلامی و نیز واداری مذهب شیعه از اسم و رسم آن حضرت در علم و عمل، شخصیت و زندگی امام علی (علیه السلام) را به یکی از موضوعات مورد توجه مستشرقین تبدیل نموده است. بسیاری از خاورشناسان، جایگاه و شخصیت حضرت علی (علیه السلام) را به صورت علمی و بی طرف به تصویر کشیده اند. در مقابل مشتاقان منصف و علمی، برخی مستشرقان به واسطه ی عدم شناخت کافی از جایگاه امامت در منظر شیعه و عدم بهره گیری از منابع معتبر شیعی و برخی دیگر به واسطه ی عناد با تشیع و یا داشتن انگیزه های تبشیری و استعماری، تصویری نادرست از امامت شیعی و بخصوص امامت حضرت علی (علیه السلام) در اذهان جهانیان ترسیم نموده اند. مسأله ی اساسی مقاله، نقد برخی افراط و تفریط های مستشرقان در مورد ابعاد گوناگون امامت از منظر شیعه و بخصوص امامت حضرت علی (علیه السلام) به عنوان خاستگاه تشیع می باشد. هدف کلی از نگارش این مقاله، انتقال این پیام است که اندیشمندان و محققان شیعه باید با ارائه تصویر صحیح و علمی از امامت شیعی و معرفی بدون افراط و تفریط شخصیت امام علی (علیه السلام)، راه غرض ورزی را بر مستشرقان معاند و مغرض ببندند و چهره ی واقعی امامت شیعی را برای جهانیان ترسیم نمایند.

2- پیشینه پژوهش

در این زمینه مطالعات بسیاری صورت گرفته است ما به اختصار چند نمونه را ذکر می کنیم.

تحلیل های ظاهری و برون گرایانه ی برخی از مستشرقین و بی توجهی ایشان به جنبه ی وحیانی و الهی شخصیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، این گونه تلقین می کند که گویی پیامبر صلی الله علیه و آله تنها به دلیل محبتی که به علی (علیه السلام) داشت، زمینه ی معرفی او به مردم را برای خلافت فراهم آورد و این واقعه الزاماً به یک خاستگاه آسمانی پیوند نمی خورد (جرداق، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۷۱).

برخی از خاورشناسان مانند گابریل دانکیری و فیلیپ خوری حتی در این زمینه می نویسد: «شیعیان بی شک حضرت علی (علیه السلام) را جانشین منحصر به فرد پیامبر اسلام می دانند (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۴، صص ۱۷۴-۱۸۴). در نظر این فرقه، حضرت علی (علیه السلام)

¹ Orientalism

مظهر و نمونه قدرت ربانی و رسول خدا بود» (خوری حتی^۱، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۸۹). گابریل دانکییری و فیلیپ خوری^۲ حتی امیر المؤمنین علی (علیه السلام) را دربارهٔ مسألهٔ امامت مقصر می دانند و در مسألهٔ جانشینی و گرد هم آمدن مهاجرین و انصار در سقیفه، آن امام بزرگ را به انفعال متهم می کنند (پور طباطبایی، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۸۱-۹۴). این در حالی است که لزوم وجود امام منصوب از طرف خداوند در همه ی اعصار، برای حفظ رابطه ی هدایت الهی میان خالق و خلق، از امتیازات بی بدیل مذهب تشیع است و این نکته ای است که بعضی خاورشناسان مانند پروفیسور هنری کربن^۳، مستشرق فرانسوی به آن اعتراف نموده اند. (طباطبایی، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۱۸).

۳- مبانی نظری

۳-۱- شرق شناسی از دیدگاه شیعه

از دید مسلمانان و بخصوص شیعیان، شرق شناسی همواره با ابهام و تردید نگریده شده است و شرق شناسان از سوی افرادی تجلیل و از طرف برخی دیگر تحقیر شده اند. گروهی فراورده های شرق شناسی و شرق شناسان را چونان حقایقی ناب و مطلق پذیرفته و گروهی دیگر بر علم بودن شرق شناسی تردید کرده اند (بدوی، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۳۵۶-۳۵۹). واقعیت آن است که برخی مستشرقان به واسطه ی عدم شناخت کافی از جایگاه امامت در منظر شیعه و عدم بهره گیری از منابع معتبر شیعی و برخی دیگر به واسطه ی عناد با تشیع و یا داشتن انگیزه های تبشیری و استعماری، تصویری نادرست از امامت شیعی در اذهان جهانیان ترسیم نموده اند. به هر حال در قرن های اخیر چهره هایی از استشرق منصفانه و علمی ظهور کردند، مانند: یوهان یاکوب رایسکه^۴، یوهان فوک^۵، ادوارد سعید^۶ نویسنده کتاب شرق شناسی، ونسنگ^۷ مؤسس و طراح دایرهٔ المعارف اسلام لیدن^۸، جرج جرداق^۹ مسیحی و ... البته تقدیر از این گونه افراد به معنای تأیید همه نظرات آنان نیست و وجود این افراد معدود منصف، منافاتی با اکثریت مغرض ندارد (زمانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۳۶). در ادامه ضمن تعریف مفهوم امامت از منظر شیعه، به بررسی آراء تعدادی از شرق شناسان پیرامون ابعاد امامت و شخصیت حضرت علی (علیه السلام) و نقد آنها می پردازیم.

۳-۲- مستشرقان و تشکیک در جنبه های علمی حضرت علی (علیه السلام)

از نظر شیعه، دو صفت علم و عصمت که از ویژگی های بارز امامان می باشد به تمام معنا در شخصیت امام علی (علیه السلام) متبلور بود و به همین دلیل، آن حضرت کامل ترین شخص در بیان معارف و احکام اسلام و لایق ترین فرد از جهت رهبری و ارشاد حیات معنوی امت اسلامی بود (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۲). اظهارات اندیشمندان و صاحب نظران مکاتب و مذاهب مختلف در خصوص جایگاه علمی امام علی (علیه السلام) مؤید این نظر شیعه می باشد. در این میان برخی مستشرقان در برتری علمی امام علی (علیه السلام) تشکیک نموده اند، به عنوان نمونه دونالدسن^{۱۰} خاور شناس انگلیسی، معتقد است نویسندگان برای آنکه نشان دهند که شخصیت علمی امام علی (علیه السلام) کمتر از بعد جنگاوری وی نبوده است خود را به زحمت بسیار انداخته اند (دونالدسون، ۱۴۱۰، ج ۱، صص ۶۳). این در حالی است که جهانیان امام علی (علیه السلام) را نه به عنوان بنیان گذار تشیع، بلکه بیش از هر چیزی به عنوان یک عالم و ادیب عالی قدر و شخصیت سیاسی صدر اسلام، می شناسند و عظمت علمی ایشان را در ابواب گوناگون ستوده اند (کلبرگ^{۱۱}، ۱۳۸۶، ص ۴۹).

امام علی (علیه السلام) علم توحید را به منصفه ی ظهور رسانید و این علم را نشانه ی متعلمان و حجت منکران قرار داد (اسکافی^{۱۲}، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۶۲). صحابه در بیشتر رویدادها پس از خطا، نزد حضرت علی (علیه السلام) می آمدند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۲۶۳-۲۶۶). آن

¹ Philip Khuri Hitti

² Gabriel Denkiri & Philip Khuri Hitti

³ Henri Carbon

⁴ Youhan yakoob ricka

⁵ Youhan Foke

⁶ Edward Saeed

⁷ Vinseeng

⁸ Islam liden

⁹ Jorj Jordagh

¹⁰ Downoldson

¹¹ Calbrg

¹² Eskaffi

حضرت اولین کسی است در اسلام که در فلسفه ی الهی غور کرده و به سبک استدلال آزاد و برهان منطقی سخن گفت و مسائلی را که تا آن روز در میان فلاسفه ی جهان مورد توجه قرار نگرفته بود، طرح نمود (علامه طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۴۶).
عده ای از مستشرقان مانند وگسیا وگلی یر^۱، مستشرق ایتالیایی به تشکیک در شیوایی سخنان امام علی (علیه السلام) پرداخته اند و برخی مانند ژان محمد عبدالجلیل^۲، مورخ فرانسوی در آثار ادبی منسوب به آن حضرت تردید نموده اند (عبدالجلیل، ۱۳۷۶، ج ۳، صص ۹۵-۹۶). در فصاحت کلام امام علی (علیه السلام) همین بس که معاویه - یکی از سرسخت ترین دشمنان آن حضرت - او را فصیح ترین فرد قریش می خواند (تستری^۳، ۱۴۱۸، ج ۱۱، ص ۲۲۰). امام علی (علیه السلام) دستور زبان عربی را وضع کرد و اساس ادبیات عربی را بنیان نهاد. عموم دانشمندان و علمای ادیان و مذاهب، سخنان آن حضرت - نهج البلاغه - را دون کلام خالق و فوق کلام مخلوق می خوانند (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۴).

۳-۳- مستشرقان و تشکیک در خلافت حضرت علی (علیه السلام)

عدم شناخت کافی خاورشناسان از جایگاه امامت در منظر شیعه و عدم بهره گیری از منابع معتبر شیعی، برخی از ایشان را به انتقاد از عملکرد امام علی (علیه السلام) در حکومت اسلامی سوق داده است. به عنوان نمونه وگسیا وگلی یری^۴ (۱۹۹۳/ ۷/ ۳۸۱-۳۸۶). طبق فرموده ی امام در نهج البلاغه، علی (علیه السلام) خود را نامزد خلافت نکرد؛ بلکه این مردم بودند که با اصرار زیاد با آن حضرت بیعت کردند (نهج البلاغه، خطبه ی ۲۰۵). آنچه از متون تاریخی اهل سنت حاصل می شود نیز مؤید این فرمایش حضرت علی (علیه السلام) می باشد (تاریخ الطبری؛ تاریخ الامم و الملوك، طبری، ج ۴، صص ۴۲۷ و ۴۲۸). مستشرق ایتالیایی در مقاله ی علی بن ابیطالب در دایره المعارف اسلام، پذیرش حکومت توسط حضرت علی (علیه السلام) را پس از شورش بر ضد عثمان، از اشتباهات آن حضرت ذکر نموده است.
از سوی دیگر به اعتقاد شیعه، یکی از شئون امامت، خلافت است و حضرت علی (علیه السلام) از طرف خداوند برای منصب امامت و خلافت بعد از پیامبر صلی الله علیه وآله انتخاب شده بود و در حجه الوداع به مردم معرفی شده بود (امالی، ابن بابویه، ص ۳۵۶). گرچه مردم ۲۵ سال آن حضرت را کنار گذاشتند؛ اما زمانی که به او رجوع کردند برای امام جایز نبود که از پذیرش بیعت برای خلافت، اجتناب نماید.

۳-۴- مستشرقان و تشکیک در جنبه های اخلاقی حضرت علی (علیه السلام)

برخی از خاورشناسان که نوعاً مسیحی یا یهودی هستند بر خلاف انتظار، به برخی از جریان های فکری یا سیاسی درون جامعه اسلامی در گذشته یا حال گرایش دارند و از آنان جانبداری می کنند یا با برخی از آنان خصومت می کنند، در حالی که علی القاعده نباید حساسیتی به اینگونه مسائل داخلی مسلمانان داشته باشند (پیشوایی، ۱۳۸۴، ج ۲، صص ۲۷-۵۶).
در این زمینه می توان به عنوان نمونه، ژولیوس ولهوزن^۵ را طرفدار خوارج و هنری لامنس^۶ دانست (ولهوزن ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۱۸-۲۱۳). هنری لامنس در مقاله کوتاه خود خطاهای گوناگونی مرتکب شده است و از همه زشت تر آن که به پیامبر بزرگ و گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) اهانت روا داشته و آن بزرگوار را از سر جسارت، عهد شکن خوانده است. (هنری لامنس ۱۹۹۳/ ۷/ ۵۳۹). هنری لامنس از میان گروه های سیاسی و اجتماعی مطرح در تاریخ اسلام، طرفدار سرسخت بنی امیه و دشمن کینه توز شیعه و بنی هاشم است. از این رو در کتابها و مقالات متعدّدش با شیطنت می کوشد مقام امام علی (علیه السلام) را پایین آورده، معاویه را برتر از او معرفی کند. او همچنین در دو مقاله خود در دایره المعارف اسلام درباره امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام)، نسبت به هر دو امام، طعن و اتهام و گستاخی های متعدّدی دارد که با هیچ سند تاریخی هم خوانی ندارد. یکی از ناجوانمردانه ترین تهمت هایی که لامنس در مورد امام علی (علیه السلام) مطرح کرده تا مقام او را پایین آورده و مقام معاویه را بالا ببرد تهمت بی تدبیری و ضعف اراده و به تعبیر دیگر نداشتن هوش و ذکاوت لازم است: «ثابت شد که پسر (حسین) دو صفتی را که موجب هلاک پدر (علی) شد از او به ارث برده است؛ یعنی دو صفت بی ارادگی و کمی ذكاء و هوشمندی» (لامنس، ۱۹۹۳، جلد ۳، صص ۶۰۷-۶۱۵). گرچه لامنس هیچ شاهی بر ادعای خود ارائه نمی کند اما می توان ریشه ی تاریخی چنین برداشتی را مشخص کرد. گویا مقصود وی، هوش و فطانت سیاسی است و نظر به بعضی خرده گیری هایی دارد که از طرف افرادی ساده لوح، در عصر حکومت امام صورت گرفته و امام در همان زمان پاسخ آنها را داده و اینک در نهج البلاغه محفوظ می باشد. زمانی که معاویه در برابر

¹ Veccia Vaglierie.

² Jon mohamad abdol jalil.

³ Testeri

⁴ Julius Wellhausen

⁵ Henri Lammens

خلافت قانونی و شرعی امام علی (علیه السلام) کارشکنی کرد و به تدریج اوضاع سیاسی به نفع او چرخید گروهی نادان، این امر را به حساب ناپختگی سیاسی امام گذاشتند! امام علی (علیه السلام) که هرگز حاضر نبود روش سیاسی معاویه را در پیش بگیرد و آن را ضد ارزش می دانست در پاسخ پندارهای یاد شده فرمود: «به خدا سوگند معاویه هوشمند تر از من نیست، بلکه او فریبکار و ناپاکار است. اگر نیرنگ و فریب، ناپسند و شایسته نبود به یقین من هوشمند ترین مردم بودم، ولی هر نیرنگی گناه است و هر گناه کفر» (نهج البلاغه، خطبه ی ۲۰۰). از نظر دانشمندان بزرگ اهل سنت همچون ابن ابی الحدید، سیاست اصولی آن حضرت در خلافت، با دیگران که ملتزم به شریعت نبودند تفاوت داشت. امام علی (علیه السلام) محدود به قیود شریعت بود و خود را ناگزیر می دانست از آن پیروی کند. آنچه در طراحی جنگ و تدبیر و نقشه نظامی به نظر مفید می رسید، اگر موافق شرع نبود به کار نمی بست. امیرالمؤمنین از نصوص و ظواهر شریعت تجاوز نمی کرد و امور دنیا را با معیارهای دینی تطبیق می داد و همه را با یک ملاک انجام می داد. او هیچ امری را جز طبق کتاب خدا و نص الهی انجام نمی داد و یا ترک نمی کرد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۵، ج ۱۰، صص ۲۱۳) هم چنین اظهارات عده ای از خاورشناسان در مورد برتری و شایستگی امام علی (علیه السلام) در منصب زعامت امت اسلامی، رسوا کننده ی اهداف سیاسی مستشرقان معاند و مخالف در این باره خواهد بود.

جرج جرداق^۱ می گوید: «لامنس در تألیفات فراوان خود، علی (علیه السلام) را به این منظور یاد می کند که دستاویزی بر ضد او پیدا کند و طعنی را درباره او خلق کند. او هروقت این قهرمان یگانه را یاد کرده او را از نظر ذكاء و هوشمندی، محدود معرفی کرده... عجیب است که پژوهشگری بتواند علی (علیه السلام) را از بلاغت و شاعری و سلحشوری جدا کند، در حالی که اینها صفاتی است که همچون حرارت نسبت به آتش، از علی (علیه السلام) جداشدنی نیست، بلکه اینها صفاتی است که حتی معاویه بن ابی سفیان و عمروعاص - که محبوب و عزیز دل لامنس هستند - آنها را انکار نکرده اند، اما لامنس آنها را انکار می کند!» (جرداق، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۴۲۸-۴۲۹). مستشرق مسیحی ساکن لبنان، در نقد اظهارات لامنس می نویسد: شوخ طبعی و سبک سری، از جمله تهمت هایی است که برخی مستشرقان برای اثبات عدم کفایت سیاسی امام علی (علیه السلام)، مطرح می نمایند. به عنوان نمونه لامنس در کتاب «بررسی روزگار امویان» (حسینی طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۱ ص ۱۷۵). لامنس در این تعبیر مغرضانه از عمروعاص پیروی کرده که برای پیروزی سیاسی، دروغگویی را جایز می شمرد و به مردم شام تلقین می کرد که علی (علیه السلام) مردی شوخ و بازیگر است و لیاقت خلافت را ندارد. امیر مؤمنان (علیه السلام) این اتهام دروغین را از او گزارش نموده و به آن پاسخ داده است: «او به مردم شام افکنده که در من شوخ طبعی راه دارد و من مردی بازیگرم که یکسره به هزل و شوخی می پردازم! همانا گفتاری باطل آورده و گناهکارانه سخن گفته است. آگاه باشید که بدترین سخنان، دروغ گفتن است و او سخن می گوید، اما دروغ می گوید... سوگند به خدا که یاد مرگ مرا از شوخی و بازیگری باز می دارد و فراموشی آخرت، عمروعاص را از راست گفتن باز می دارد!» (نهج البلاغه، خطبه ی ۸۴).

ابن ابی الحدید، دانشمند بزرگ اهل سنت، اصل شوخی و مزاح حضرت علی (علیه السلام) را نفی می کند و می گوید: اگر در وضع و حال علی (علیه السلام) در عصر رسول خدا تأمل کنیم، بسیار بعید است که بتوانیم به او نسبت شوخی و مزاح بدهیم؛ زیرا چه در کتب شیعه و چه در کتب محدثین، شهادتی بر این امر پیدا نمی کنیم هم چنین در ایام خلافت ابی بکر و عمر در کتب سیره، حتی یک حدیث نمی توان یافت که ارتباطی به شوخی او داشته باشد (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۵، ج ۶، صص ۳۲۶-۳۲۹).

۵-۳- خاورشناسان و اعلمیت علی (علیه السلام)

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) درباره اعلمیت حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: علی اعلم امت من و قضاوت کننده ترین آنها در مسائل اختلافی پس از من است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود: علی (علیه السلام) دارای علم گذشتگان و آیندگان است. او وصی و جانشین من و سایر انبیاست. (پورطباطبایی، ۱۳۸۵، جلد اول، ص ۱۰).

در زیر اعلمیت علی (علیه السلام) را شرح می دهیم:

۱. خداوند به امامان دانشی عطا کرده که از آینده خبر دارند و افکار مردم را می خوانند. لذا آنها می توانند رهبری جامعه را عهده دار شوند. خود علی نیز فرمود: (سلونی قبل ان تفقدونی).

۲. شیعیان در طول تاریخ پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اذیت می شدند و حتی در دوران خلفای عباسی نیز زیر فشار بودند و به آنان ظلم می شد، ولی از عقیده خود دفاع کرده، می گفتند: (اعقاب حسن و حسین) (علیه السلام) همه برگزیده اند. میان ایشان چند تن دارای نور امامت هستند که به ظهور رسیده اند و همه آنها نور امامت را از علی (علیه السلام) به میراث برده اند و دارای دو صفت

¹ Jorj Jordagh

مخصوص و متمایز هستند: یکی عصمت از خطا و گناه، دوم علم بر کتاب و سنت نبی. این سلسله تا حضرت مهدی (علیه السلام) ادامه یافته ولی او از دیدگان همه غایب است و هرگاه خدا بخواهد، ظهور خواهد کرد و سلطنت حق و عدالت را در جهان برقرار خواهد ساخت.

۳. این که امامت نهادی است که وظیفه پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) را تکمیل می نماید و آن را از تحریف و دست برد، مخالفان حفظ می کند، از عقاید مسلم شیعی است. شیعیان بر این باورند که شخص امام (علیه السلام) حامل علم الهی است و ظرفیت و توان رهبری روحانی جامعه را به عهده دارد و هیچ کسی غیر از امام معصوم که خداوند وظیفه او را توسط پیامبرش (صلی الله علیه و آله) تنفیذ کرده، چنین کاری را نمی تواند انجام دهد؛ زیرا فقط امام در همه امور آگاهی لازم را دارد.

۴. علم یکی از ویژگی های منحصر به فرد امامان ((علیه السلام)) به شمار می آید؛ زیرا علم آنها با علم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یکی است. علی (علیه السلام) تنها شخصیتی به شمار می آید که در بین متقدمان شیعه، توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است. با وجود این، جهانیان او را نه به عنوان بنیان گذار تشیع، بلکه بیش از هر چیزی به عنوان یک عالم و ادیب عالی قدر و شخصیت سیاسی صدر اسلام، می شناسند.

برخی از پیشگامان مطالعات عربی در هلند مثل ژاکو بوسی، قسمتی از کلمات قصار حضرت را در آثار خود منتشر کرده اند. آنها فضیلت و کمال انسانی را در وجود علی (علیه السلام) متبلور می دیدند و ویژگی های برجسته او را با هیچ شخصیت دیگری در دنیا قابل مقایسه نمی دانستند؛ چون او دارای همه خوبی ها بود.

۵. همه شیعیان بر این باورند که ائمه برگزیدگان خدا بر روی زمین هستند که نور خود را از علی (علیه السلام) گرفته اند و دو ویژگی دارند که بقیه افراد فاقد آن دو صفتند: یکی عصمت از خطا و دیگری علم بر کتاب خدا و سنت پیامبر.

۶. علی (علیه السلام) در زمینه های مختلف آگاهی داشت و مسائل را به روش خودش حل و فصل می نمود به همین سبب، بانی را در قضاوت باز کرد که سرمشق همگان گردید. علی (علیه السلام) در پیچهای جدید و عهد تازه ای افتتاح کرد که در زمان خلفای سه گانه در تمام مسائل پیچیده که خلفای مذکور از حل آنها عاجز بودند، خلفا و دیگران از آن استفاده می کردند و هر مسأله غامضی که برای امت اسلامی پیش می آمد، با تدبیر علی (علیه السلام) حل می شد و این جمله به صورت ضرب المثل در آمده بود: (حل آن را باید از تدبیر علی (علیه السلام)) خواست (چاره این مشکل را فقط از ابوالحسن باید خواست). حقاً که چنین هم بوده است.

۷. یگانه علم مطلوب نزد ائمه است؛ زیرا آنها وارثان انبیا در روی زمین هستند. هم چنین گفته شده است که ائمه به چگونگی وفات خود نیز علم دارند و هر امامی امامت را از جانب پیامبر (صلی الله علیه و آله) به امام پس از خود واگذار می کند.

بعضی از خاورشناسان یادآور شده اند که در پایان روزگار اموی، برخی از شیعیان به این جا رسیدند که علم معتبر و با ارزش، فقط در نزد علی (علیه السلام) و یک شاخه از خاندان او حفظ شده است و مسلمانان کسی را که خداوند به نام امام واقعی امت بر می گزیند، تنها در این خاندان می توانند بیابند، خواه او دارای قدرت و در رأس حکومت باشد یا نباشد، رهبری اش ضروری و اطاعتش بر هر مسلمان واجب است که باید او را پیدا و شناسایی نمود و به اوامر و نواهیش گردن نهاد.

۸. چون شیعیان به فرقه های مختلف تقسیم شدند، تنها شیعیان دوازده امامی، علی (علیه السلام) و یازده فرزند او را که از نسل حسین (علیه السلام) هستند، به عنوان خلیفه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امام معصوم (علیه السلام) قبول دارند و می گویند: آنها دارای علم لدنی هستند که افراد دیگر از چنین فضلی بی بهره اند.

۹. علی (علیه السلام) نخستین امام شیعیان است. آنها می گویند که پیغمبر اسلام، دانشهای خود را به او سپرده، زیرا دیگران شایستگی آن را نداشتند. خاندان علوی این علوم را یکی پس از دیگری به ارث برده اند. حتی اهل سنت نیز در این مورد نظر موافق دارند و می گویند: علی (علیه السلام) مردی فاضل است و علمی بیش از اندازه دارد، و حسن بصری او را ربانی این ملت خوانده است. این گفتار، علم و اعلیمیت علی (علیه السلام) را نشان می دهد که دیگران فاقد آن بودند.

۱۰. علی (علیه السلام) در اثر همراهی با پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) از زمان طفولیت تا رحلت رسول خدا، (صلی الله علیه و آله) به مسائل میراث و قضایای مشکل، دانا و عالم بود. خلیفه دوم عمر می گفت: (از مسائل مشکلی که علی (علیه السلام) برای آن راه حل و راه چاره ای پیدا نکند، به خدا پناه می برم.) این حرف نشان از اعلیمیت آن حضرت در مقایسه با بقیه افراد عصر خویش دارد. خود حضرت علی (علیه السلام) هم می فرمود: (درباره کتاب خدا از من بپرسید، به خدا قسم! از هر آیه ای بپرسید، می دانم که آن آیه شب نازل شده یا روز، در دشت نازل شده یا کوه).

۱۱. امامان شیعه و در رأس آنها علی (علیه السلام) اضافه بر علم همگانی، دانش درونی نیز دارند که یکی پس از دیگری آن را به ارث برده اند. علی (علیه السلام) نه تنها معنای حقیقی قرآن را می فهمید که از درک همگانی پنهان است بلکه همه رخ دادهای جهان را تا روز رستاخیز می دانست.

نتیجه

آن چه به طور فشرده گفته شد، جایگاه ارزش علمی و نقش چشم گیر امام علی ((علیه السلام)) در فرآیند بسترسازی فرهنگی اسلام در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دفاع از حوزه باورهای دینی و دست آوردهای فکری قلمرو جغرافیای امت اسلامی است که از منظر خاورشناسان و شیعه ارزیابی شده است. امام علی ((علیه السلام)) که همواره در کنار رسول خدا حضور داشته و از حوزه ارزش های مکتبی خالصانه دفاع می کرده و در عرصه های گوناگون نظامی نقش چشم گیری داشته به صورت شخصیت ماندگاری در آمده که فراموش ناشدنی است. خاورشناسان در آثار خود، به آن دسته از فضایل پرداخته اند که با توجه به مطالب گفته شده، برتری و شایستگی امام علی ((علیه السلام)) را در منصب زعامت امت اسلامی به اثبات می رساند، گرچه منابعی شیعی در این قسمت غنی تر و پربارتر است.

خاندان پیامبر صلی الله علیه و اله و امامان شیعه علیهم السلام جایگاه خاصی در تحقیقات شرق شناسان دارند. برخی مستشرقان به دلیل عدم شناخت کافی از جایگاه امامت در منظر شیعه و عدم بهره گیری از منابع معتبر شیعی و عناد با تشیع و گرایش به برخی از جریان های فکری یا سیاسی درون جامعه اسلامی و داشتن انگیزه های تبشیری و استعماری، ابعاد گوناگون شخصیت حضرت علی علیه السلام را به صورت نادرست در اذهان جهانیان ترسیم نموده اند و جانب رعایت انصاف و عدالت را در پذیرش مستندات نگرفته اند و کماکان پایبند به پیش فرض های متعصبانه و توهم استشراقی خویش اند. اندیشمندان و محققان شیعه، با ارائه تصویر صحیح و علمی از امامت شیعی و ترسیم صحیح و دور از افراط و تفریط شخصیت امام علی علیه السلام، راه غرض ورزی را بر مستشرقان معاند و مغرض خواهند بست. در این راستا لازم است از یک سو منابع معتبر شیعی به زبان های زنده ی دنیا ترجمه شود و از طریق رسانه های ارتباط جمعی، در دسترس عموم جهانیان قرار گیرد و از سوی دیگر مستشرقان در بررسی جنبه های گوناگون مذهب تشیع، قوانین ابدی شیعه را که حاکم بر دلها و اعماق قلوب شیعیان است در نظر داشته باشند تا در تحلیل های تاریخی خود، یک سوپه نگری نکنند.

منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
- ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، ترجمه ی آیت الله کمره ای، چاپ ۴، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا.
- اسکافی، ابوجعفر محمد بن عبدالله، المعیار و الموازنه، بیروت، بی تا، ۱۴۰۲ ق.
- الدسوقی، محمد، سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق شناسی، ترجمه محمود رضا افتخار زاده، تهران، نشر هزاران، ج اول، ۱۳۷۶ ش.
- بدوی، عبد الرحمن، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه شکر الله خاگرد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- پورطباطبایی، سید مجید، خاورشناسان و غدیر، قم، صبح صادق، ۱۳۸۵ ش.
- پیشوایی، مهدی، نقد دیدگاه تاریخی یک شرق شناس، تاریخ در آینه پژوهش، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۸۴ ش، صص ۲۷-۵۶.
- تستری، محمد تقی، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، تهران، امیرکبیر، ۱۴۱۸ ق.
- جرداق، جرج، امام علی: ندای عدالت انسانیت، ترجمه شعرانی، تهران، چاپخانه اسلامی، ۱۳۷۷ ش؛ بیروت، دارالروائع، ۱۹۵۸ م.
- حتی، فیلیپ خوری، شرق نزدیک در تاریخ، ترجمه قمر آریان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم، ۱۳۸۲ ش.
- حسینی طباطبایی، مصطفی، نقد آثار خاورشناسان، تهران، چاپخش، ۱۳۷۵ ش.
- دونالدسون، دوايت، عقیده الشیعه، بیروت، مؤسسه المفید، ۱۴۱۰ ق.
- زریاب خویی، عباس، سیره رسول الله، تهران، سروش، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ ش.
- زقروق، محمود حمدی، الخلیفه الفکره للصراع الحضاری، قاهره، دار المعارف، (بی تا).
- زمانی، محمد حسن، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
- طباطبایی، محمد حسین، شیعه در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ بیستم، ۱۳۸۵ ش.
- طباطبایی، محمد حسین، شیعه (مذاکرات و مکاتبات پرفسور هنری کربن با علامه سید محمد حسین طباطبایی)، به اهتمام احمدی میانجی و هادی خسروشاهی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چ چهارم، ۱۳۸۲ ش.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، روابیع التراث العربی، بی تا.
- طوسی، خواجه نصیر الدین، تجرید الاعتقاد، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- طوسی، محمد بن الحسن، امالی، قم، دارالثقافه، چ اول، ۱۴۱۴ ق.
- عبدالجلیل، ژان محمد، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرنوش، تهران، انتشارات امیر کبیر، چ سوم، ۱۳۷۶ ش.
- علی صغیر، محمد حسین، خاورشناسان و پژوهش های قرآنی، ترجمه محمد صادق شریعت، قم، مؤسسه مطلع الفجر، چ اول، ۱۳۷۲ ش.
- کلبرگ، آتان، مطالعات غرب در خصوص اسلام، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی تل آویو، تهران، فاروس ایران، ۱۳۸۶ ش.
- مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، تهران، صدرا، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
- نوری، محمد، خاورشناسان و فرقه شناسی، هفت آسمان، شماره اول، ۱۳۷۸ ش، صص ۱۷۴-۲۰۰.
- ولهاوزن، ژولیوس. تاریخ سیاسی صدر اسلام: شیعه و خوارج، ترجمه محمود رضا افتخارزاده، قم، دفتر نشر معارف اسلامی، چ اول، ۱۳۷۵ ش.

"ALI B. ABITALEB", Vaglierie, L. Vecchia, The Encyclopedia of Islam, Leiden, BRILL, 1993, 7/381-386.

"AL HUDAYBYA", Lammens, Henri, The Encyclopedia of Islam, Leiden, Brill, 1993, 7/539.

"AL HUSAYN b. ALI b. ABI TALIB", Lammens, Henri, The Encyclopedia of Islam, Leiden, Brill, 1993, 3/607-615.